

## عنوان مقاله:

ماکیاولی و انهدام فضیلت؛ طرح آزادی و رستگاری میهن به عنوان غایت اندیشه سیاسی

## محل انتشار:

دوفصلنامه شناخت، دوره 12، شماره 1 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

## نویسندگان:

محسن باقرزاده مشکی باف - گروه فلسفه، دانشکده ادبیات، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

محمود صوفیانی - گروه فلسفه، دانشکده ادبیات، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

## خلاصه مقاله:

بنیان و غایت اندیشه سیاسی ماکیاولی، زندگی فضیلت‌مندانه و کسب سعادت نیست چرا که نه تنها اخلاق بلکه دین را به عنوان امور قائم بالذات و خط مشی دهنده ی سیاست قلمداد نمی کند بلکه هر دوی آن ها را در درون ساحت سیاست و بر حسب میزانسن میان نیروهای سیاسی باز تعریف می کند. بنابراین ماکیاولی به سیاست خودآیینی می دهد و منطق درونی سیاست را به مثابه ی علمی مستقل مورد بررسی قرار می دهد. ماکیاولی نجات میهن، دوام دولت و آزادی مردم را به عنوان اساس و غایت اندیشه سیاسی معرفی می کند و با دو اصطلاح خاص خود یعنی حقیقت موثر و ویرتو، به تکوین انتولوژی یا اتمسفر جدیدی که این ساحت جدید بدان نیازمند است، می پردازد و راه را برای غایت مذکور هموار می کند. با حقیقت موثر منطق میان «بود و نمود» و «عمل و اثر» را بر هم میزند تا ساختار دیالکتیکی جدیدی از معنای فضیلت در جهت نجات میهن ایجاد کند و با ویرتو نه تنها قدرت را از چنگال بخت بیرون می کشد بلکه ایده ی ویرتو را صرفا معادل هر خصلتی می داند که در حفظ زندگی و حراست از آزادی کشور عملا به کار آید. و در نهایت فضیلت را تنها به ابزاری در دست سیاست برای دوام میهن تنزل می دهد.

## کلمات کلیدی:

ماکیاولی، غایت، فضیلت، حقیقت موثر، ویرتو، میهن، آزادی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1269386>

